

بررسی مبانی تربیتی در غزلیات حافظ

مهندس جلیل سازگارنژاد

مدیر مرکز حافظ‌شناسی

عنصر ارتباطات به دو گونه بروز می‌کند: «کلامی» و «غیرکلامی»^۱. «ارتباطات کلامی» از طریق زبان صورت می‌گیرد و زبان به عنوان مجموعه‌ای از نمادهای ارتباطی نقش اصلی را به عهده دارد.^۲ نمادهای ارتباطی (کلمات و جملات)؛ وسیله‌ی گفت و شنود و یا نوشتن و خواندن مبادله می‌شود و تأثیر نوشته‌های مختلف و ایجاد ارتباط کمتر از گفت‌وگوهای حضوری و شفاهی نیست، زیرا به تعبیر برخی از صاحب‌نظران، نوشته‌ها سخنان جامد هستند.^۳ لویی‌س کوزر^۴ ادبیات را یک منبع غنی اطلاعات معرفی می‌کند.^۵ او معتقد است، جامعه‌شناس (و پژوهش‌گر) باید از هر منبعی که به نحوی نشان دهنده‌ی روابط انسانی است، استفاده نماید. سارتر معتقد است، «انسان، ادبیات است».^۶ ادبیات منعکس‌کننده‌ی شکل ویژه‌ی زندگی و فرهنگ هر جامعه است.

در فرهنگ ایران زمین به واسطه‌ی فقدان عمومی بودن آموزش، شعر دارای کارکردهای متنوع سیاسی و فرهنگی بوده است. قسمت اعظم ضرب‌المثل‌های ایرانی به صورت شعر است و از سویی دیگر شعر، هنر ملی ایرانیان است. در این میان، از بین هزاران شاعری که در طول حیات اجتماعی ایران زیسته و به خلق اثر پرداخته‌اند، تنها گروه بسیار قلیلی از شاعران این شانس را داشته‌اند تا بر قله‌ی زمان و به دور از گزند تاریخ مانا بمانند و

حافظ پژوهی

به مثابه‌ی زبان ملتی کارکرد یابند. «حافظ» از معدود شاعرانی چنین است.

در خانه‌ی هر ایرانی در کنار قرآن، کتاب مقدس مسلمانان یک دیوان حافظ قرار دارد. این نکته مبین این واقعیت است که مردم دکترین حافظ را پذیرفته‌اند، زیرا تنها تبحر شعری نمی‌تواند مقبولیت اثری را تضمین کند. به ویژه در ایران که شاعران چیره‌دست بسیارند.

بدین ترتیب حضور حافظ در پی ششصد سال در خانوارهای ایرانی متضمن این باور است که مؤلفه‌هایی که در مفاهیم کلامی حافظ تعین یافته‌اند، مقبول مردم بوده است. این مقاله به این ترتیب در پی یافتن این است که مبانی تعلیم و تربیتی که حافظ در اشعار خویش منادی و مبلغ آن بوده، کدام است و چه قالب و محتوایی را (from Content) جهت تعلیم و تربیت جامعه‌ی ایرانی تجویز می‌نماید. بدیهی است، شیوه‌های روزآمد علمی در تحلیل و تدوین این اثر منظور نظر خواهد بود.

در این مقاله‌ی کوتاه بر آنیم تا نگاهی گذرا بر مبانی تربیتی حافظ که در شعار خویش منادی و مبلغ آن بوده داشته باشیم و به قالب و محتوایی که برای تعلیم و تربیت جامعه‌ی ایرانی تجویز می‌نماید، دست یابیم، زیرا نظام تربیتی حافظ را باید نظام و مکتب تربیتی غیررسمی و پنهانی ایرانیان انگاشت.

بدون تردید خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی پر افتخارترین و نامدارترین شاعران ایران و جهان می‌باشد که توانسته است، فراتر از روزگار و محل زندگانی خویش و فراتر از مرزهای زمان و مکان در تربیت انسان‌ها تأثیر گذارده و به عنوان صاحب مکتب عرفانی و تربیت درونی در ردیف نخبگان و چهره‌های بی‌همتای جهان قرار گیرد.

کتاب‌های درسی مدارس در تاریخ آموزش و پرورش در فصل‌ها و بخش‌های متعدد و متنوع خود با بهره‌مندی از اشعار و غزلیات حافظ علاوه بر تلطیف متون ادبی به شیوه‌ای غیرمستقیم، امر تربیت را سامان بخشیده است. از مبانی مهم تربیتی حافظ باور و اعتقاد او به درونی بودن فرایند تربیت و تأثیرگذاری ثانوی آن در عرصه‌ی رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها و تعامل با محیط زندگی و تأثیرپذیری متقابل آن در روحیات افراد و دگرگون‌سازی روند اخلاقی و معنوی جامعه است. او که در عصری می‌زیسته که حاکمان مسلمانان با

بررسی مبانی تربیتی در غزلیات حافظ

شکل‌گرایی دینی بر جامعه حکومت می‌رانده‌اند. ناخرسندی و شکوه خود را از این شیوه‌ی زمامداری و تأثیرات بسیار نامطلوب آن در حوزه‌ی تعلیم و تربیت پنهان نمی‌کند و بر آن می‌شورد.

مقام حاکمان، واعظان، دانشمندان و مسؤولان مستقیم نظامی، سیاسی و اجتماعی و

تربیتی حاکم را مورد سؤال قرار داده و تناقض بین گفتار و رفتار آنان را به نقد می‌کشد:

واعظان کاین جلوه بر محراب و منبر می‌کنند	چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند
مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس	توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر می‌کنند
گوییم باور نمی‌دارند روز داوری	کاین همه قلب و دغل در کار داور می‌کنند
یارب این نودولتان را بر خیر خودشان نشان	کاین همه ناز از غلام ترک و استر می‌کنند

ظاهرسازی، شکل‌گرایی و ریاکاری را عامل مهم این دین‌سوزی می‌داند و آن را شیوه‌ای مطرود قلمداد می‌نماید:

آتش زرق و ریا خرمن دین خواهد سوخت حافظ این خرقه پشمینه بینداز و برو

تأثیرپذیری مطلق مربیان و معلمان و داوران را از منویات حاکمان مورد نکوهش قرار می‌دهد و حاصل کار آنان را ضد تربیت می‌داند:

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند	پنهان خورید باده که تعزیر می‌کنند
گویند رمز عشق مگویند و مثنوید	مشکل حکایتی است که تقریر می‌کنند
ناموس عشق و رونق عشاق می‌برند	منع جوان و سرزنش پیر می‌کنند
می‌خور که شیخ و حافظ و قاضی و محتسب	چون نیک بنگری همه تزویر می‌کنند

در ادامه‌ی توصیه‌های بازدارنده و نهی‌کننده‌ی خود و پرهیز دادن انسان‌ها از گرایش به زشتی‌ها می‌گوید:

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

در فرایندی دیگر که او به پیام اجتماعی تربیت روی می‌آورد، شاهد سرودن عالی‌ترین مضامین هستیم که همگان را به تحسین وای می‌دارد:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

یا:

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

ترویج نیکویی و نیک رفتاری را نمادی از فرهنگ دینی و ملی می داند و همگان را به انجام آن دعوت می نماید:

نصیحت گوش کن جاننا که از جان دوست تر دارند جوانان سعادت مند، پسند پیر داننا را

یا:

بر این رواق زبرجد نوشته اند به زر که جز نکویی اهل کرم نخواهد ماند

عیب پوشی و صفت ستارالعیوبی خداوند را مایه ی آرامش جامعه می داند:

نیکی پرمغان بین که چو ما بد مستان هر چه کردیم به چشم کرمش زیبا بود

یا:

به پیر میکده گفتم که چیست راه نجات بخواست جام می و گفت راز پوشیدن

بر این باورم که تأثیر کلام و شعر و سخن حافظ در تربیت علاوه بر مبانی عرفانی و پژوهشی او، ریشه در لسان الغیبی حافظ نیز دارد؛ آن گونه که او خود می گوید:

در خرابات مغان نور خدا می بینم این عجب بین که چه نوری ز کجا می بینم

هر دم از روی تو نقشی زنده ام خیال با که گویم که در این پرده چه ها می بینم

از خدای بزرگ آرزو دارم تا در فرصتی تحقیقی توفیق یابم این مقاله را به فرجام رسانم و شاید رساله ای در این باب به رشته ی تحریر در آوردم.